



## از ساخت نازی آباد تا مقاوم سازی ساختمان‌ها

درباره **علی اکبر معین فر** اولین مهندس زلزله در ایران



## بار دیگر رقابتی با تنوع حداقلی

نتایج بررسی صلاحیت نامزدهای مجلس دوازدهم از سوی هیأت نظارت اعلام شد



## تداوم سنت در جامعه غیرسنتی

گفتاری از **باقر تاج‌الدین** جامعه‌شناس درباره همبستگی اجتماعی در ایران



## قتدان خرد استراتژیک در حکمرانی اعراب

چطور تصمیمات اشتباه و عجولانه بر روندهای منطقه‌ای تأثیر منفی گذاشت؟

مسئولیت اخلاقی و اجتماعی در برابر حملات تروریستی

# داغ روز مادر

با یادداشت‌هایی از:  
حمیدرضا جلائی پور / تامس نیگل  
مجید یونسیان / علی ورامینی



# سه مواجبه با تروریسم

پروسیه موضوع گیری اصولگرایان، اصلاح طلبان و پیرانندان نسبت به حملات کرمان

وزارت اطلاعات اعلام کرد:

## بازداشت ۱۲ تن از عوامل حملات تروریستی کرمان

از دو تروریست معدوم انتحاری یک نفر ملیت تاجیکستانی داشته و هویت تروریست دوم هنوز به صورت قطعی احراز نشده است

جامعه ایران مدت‌هاست که دچار شکاف‌های تحلیلی و ذهنی شده است؛ گویی که هر گروه بی توجه به واقعیت می‌کوشد که روایت خود را بر پدیده‌ها بار کند. روایت محوری نه فقط سیاست رسانه رسمی، بلکه سیاست تحلیلی سایر گروه‌ها نیز شده است و جالبتر اینکه، این شکاف‌ها نه تنها عمیق تر می‌شود، بلکه شکاف‌های جدیدی میان هر کدام از گروه‌ها شکل می‌گیرد. نمونه آن تفاوت‌های زیاد در نگاه گروه‌های سیاسی، حکومت و مخالفان نسبت به جنایت رخ داده در کرمان است. این گونه رویدادهای مهم در هر جامعه‌ای که به وجود آید موجب کاهش اختلافات و شکل گیری نوعی از وحدت نظر میان همه می‌شود. همگان می‌کوشند فراتر از اختلافات خود، در برابر اقدامات جنایتکارانه متحد شوند. ولی تشنیت سیاسی ما مانع از این همگرایی می‌شود؛ به طوری که حتی در میان بلوک حاکم نیز یک شکاف تحلیلی و رویکردی مهمی را در حاشیه اخیر دیدیم. برخی از آنان کوشیدند که اسرائیل را مقصر مستقیم معرفی کنند و برخی دیگر از اتخاذ چنین موضعی دوری کردند و در نهایت داعش را به عنوان مسئول آن پذیرفتند. این شکاف بسیار عمیق بود، زیرا تصور اینکه کدام یک از این رویکردها پذیرفته شود، تبعات و الزامات سیاسی کاملاً متفاوتی را ایجاد می‌کند. جناح تندرو برخلاف جریان رسمی سیاست، از ابتدا خواهان حضور عملی ایران در جنگ غزه بود، موضوعی که مقام رهبری با آن مخالفت کردند و موضع مسئولان‌های گرفتند. آنان معتقد بودند عدم حضور مستقیم ایران در این نزاع موجب سرکوب حماس شده و پس از آن به حزب الله لبنان و ایران خواهند پرداخت. این گروه جنایت کرمان را فرصت مغتنمی برای بازگشت به آن تحلیل دانستند

و چشم بسته اسرائیل را متهم کردند. در حالی که متهم اول داعش بود و اسرائیل فقط محتمل بود که به نحو غیر مستقیم کمک کرده باشد، بدون اینکه بتوان آن را ثابت کرد. این رویکرد بنحوی موافق با خواست‌های اسرائیل نیز می‌توانست باشد. شکاف دیگری که مشاهده می‌کنیم مواضع بغایت ضد انسانی عده‌ای از مخالفان ایران در آن سوی مرزهاست. آنان که به ظاهر خود را با تروریسم مخالف می‌نامند، ولی به راحتی در کنار داعش قرار می‌گیرند و از تکه تکه شدن هموطنان خود نیز خوشحال می‌شوند. این دیگر تفاوت در رویکرد نیست، بلکه تفاوت در اخلاق است که موجب سقوط یک مجموعه سیاسی از اخلاق انسانی شده و آنان را از دایره انسانیت خارج کرده است. در خصوص جنایت کرمان باید چند سطح رویداد را به کلی از یکدیگر متمایز کرد ابتدا اصل جنایاتی است که قطعاً باید محکوم شود، نه فقط در ایران، بلکه در همه نقاط جهان. البته مادر محکوم کردن چنین جنایاتی که علیه ایرانیان می‌شود، مسئولیت بیشتری هم داریم. جنایت، جنایت است؛ نمی‌توان تفکیک قائل شد و جنایت خوب و بد نداریم. با جنایتکار به این دلیل که مرتکب جنایت می‌شود، مخالفیم و جنایتکار خودی و غیر خودی نداریم. این منطق دوگانه است که به کلی قابل نقد و رد است. در سطح بعدی باید بدانیم که چه گروهی چنین جنایتی را مرتکب شده‌اند. تأیید از دست‌پاچی به شواهد قطعی که معلوم کند مسئول اقدام کیست، طبعاً فقط می‌توان گمانه زنی کرد بر اساس شواهد و قراین در این مورد نیز تا پیش از پذیرفتن مسئولیت از سوی داعش، قوی ترین گمانه‌ها نیز آنان را متهم اصلی می‌دانستند. البته در این مرحله می‌توان حدس و گمان‌هایی در جهت متهم کردن دیگران نیز داشت ولی مسئله این است که این گمانه‌زنی‌ها نباید من در آوردی و تخیلی باشد. در سطح بعدی باید نسبت به کوتاهی‌های رسمی یا سیاست‌هایی پرداخت که در بروز چنین اتفاقاتی نباید نادیده گرفته شود. از حیث سیاست‌های رسمی یا نحوه اطلاع رسانی، یا نحوه خدمات رسانی و نیز اقدامات ترمیمی برای کاهش آلام و مرارت‌های جمعی و نیز حادثه دیدگان و خانواده‌های عزادار است. البته اطلاعیه و اقدام به نسبت فوری وزارت اطلاعات در نوع خود جالب توجه و مفید است. همچنین لغو سفر خارجی رئیس جمهور و حضور در کرمان یک گام مفید و مثبت تلقی می‌شود. شاید ساختار رسمی نسبت به این شکاف‌های تحلیلی بی تفاوت باشد و به آن اهمیتی ندهد، ولی این گسست‌های تحلیلی بازتابی از گسست‌های عینی جامعه ایران هستند و موجب ناپایداری و مانع از وحدت‌یابی جامعه شده‌اند و باید برای حل آن چاره‌ای اندیشید. تثبیت و تشدید این وضع به مثابه نوعی سرطانی اجتماعی و سیاسی خواهد بود که دیر یا زود متاستاز کرده و وحدت و بقای اجتماعی را دچار اختلال می‌کند.

## شکاف تحلیلی همچون غده سرطانی

سرمقاله